

روز خداوند

نوشته: دکتر کریستی ویلسن

روز خداوند

غالباً در مشرق زمین مسیحیان «خاچ پرست» یا پرستندگان صلیب خوانده می‌شوند و این عنوان چندان موجب تعجب نیست، زیرا بعضی از کلیساها بی‌اندازه شکل صلیب را محترم می‌دارند. در حقیقت صلیب در نزد مسیحیان علامت مقدسی است، اما به خودی خود دارای قدر و قیمتی نیست. مسیحیان به آن کار عجیبی که مسیح در موقع نثار جان خویش بر روی صلیب برای بخشایش گناهان اهل عالم نمود احترام می‌نمایند. همچنین وقتی که مسیحیان دقت نام در تخصیص روز یکشنبه به آرامش و آسایش می‌دهند نباید آنان را متهم به پرستش یک روز نمود. خود روز چندان اهمیتی ندارد، بلکه معنی و علامت روحانی آن و آسایش و عبادت آن روز (اگر به دقت مراعات شود) بی‌اندازه حائز اهمیت است. در شریعت موسی هفتمین روز هفته روز سبت یعنی روز آسایش مقرر شده و در این روز انجام هر کاری اکیدا ممنوع بود.

در مدت خدمت عیسای مسیح در جسم، بسیاری از اوقات یهودیان او را متهم به شکستن روز سبت می‌کردند. عیسی در جواب‌هایی که بدیشان می‌داد آشکار فرمود که معنی و مقصود روحانی روز سبت اهمیت دارد نه خود آن روز. بیانات مهم و فرمایشات بزرگ عیسی در موقع روز سبت زحمت انسان را در آن روز از میان برده و ما را به یک آزادی می‌رساند که آن روز را با خوشحالی به پایان رسانیده در طی آن مسیح را خدمت کنیم و خود نیز فیض ببریم. مثلاً عیسی فرموده: «سبت برای انسان مقرر شد نه انسان برای سبت» (مرقس ۲: ۲۷). تعجبی نیست که بر وفق شریعت دقیق و مشکل موسی که می‌گوید حتی کسی هم که در روز سبت هیزم و چوب جمع کند باید سنگسار شود، یهودیان مقید و دست و پا بسته این روز شده‌اند. مسیح ما را از لعنت شریعت رها ساخته و روز مخصوص خویش را برای ما روی آسایش و شادی و سرور قرار داده است.

هنگامی که مسیح در روز سبت مریضی را شفا می‌داد یهودیان او را برای شکستن روز سبت مورد سرزنش قرار می‌دادند و نیز موقعی که شاگردان عیسی خوشه‌های گندم را چیده و آنها را با دست خود مالیده و خوردند باز یهودیان زبان ملامت باز نمودند مسیح هم انکار نمود که این چیزها کار محسوب می‌گردد، اما در مقابل اصول و قوانین جدیدی برای روز آسایش و آرامش وضع فرمود. وقتی با دقت تعالیم مسیح را در این موضوع مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید که در روز خداوند اولاً کارهای بسیار لازم و ثانیاً امور خیر و عام‌المنفعه را می‌توان انجام داد. بنابراین آن روز سبت در قانون موسی با آن همه تنبیهات و جرایم معینه سخت و موحشی که برای کار کردن مقرر شده بود سپری گردید و مسیح یک روز تازه‌ای را که با فروغ خدمت و فداکاری و عبادت و بهبودی و ترقی روحانی روشن گردیده به ما بخشیده است. یهودیان مخالفت ورزیده می‌گفتند عیسی حق ندارد که بدینگونه معنی روز آسایش را تغییر دهد. مسیح در جواب این ایرادات می‌گوید: «پسر انسان خداوند روز سبت نیز هست» (مرقس ۲: ۲۸). همان کسی که خداوند روز سبت است روز تازه‌ای را به ما بخشیده تا به یادگاری او نگاه داشته و آن را با عبادت و شادی و خدمت از روی محبت به پایان رسانیم.

لزوم روز آسایش

بدن انسان طوری ساخته شده که در هفته‌ای یک روز آسایش برای آن لازم است. علمای آمریکا یک رشته امتحانات دقیقی راجع به قوای بدنی و کوشش روزانه و متوالی اشخاص در طی چند هفته از یک عده زیادی کارگر نموده‌اند. در نتیجه این امتحانات نقشه‌ها و اوراق تهیه نموده‌اند و اوراق مذکور نشان می‌دهد که هر روزی که به آخر هفته نزدیکتر می‌شود قوت بدنی بیشتر رو به ضعف می‌گذارد و حتی عده زیادی از حوادث و اتفاقات در اواخر هفته اتفاق می‌افتد. یک روز آسایش در هفته قوای بدنی را باز به آن درجه می‌رساند که در ابتدای هفته شخص داشته و از اینرو شخص هفته تازه را با قوت و نیروی بدنی کامل آغاز می‌نماید به علاوه مقدار تجدید قوه با طرزی هم که کارگران روز آسایش کارگران را به پایان رسانیده‌اند ارتباط کامل داشته است. بدون استثنا همه این امتحانات نشان می‌دهد که اگر ما بخواهیم کاملاً اعصاب و بدن خود را به کار بیندازیم بدن ما در هفته‌ای یک روز آسایش لازم دارد. تاکنون چندین مرتبه برای از بین بردن روز آسایش اقداماتی شده، اما تمام این مساعی منتج به ضرر گردیده است. مثلاً در ابتدای جنگ بین‌المللی کارگران گورخانه‌های انگلستان روزهای یکشنبه را هم کار می‌کرده‌اند، اما طولی نکشید که این روز تغییر یافت، زیرا به خوبی معلوم شد که هفت روز کار کردن سرسری برای دولت فایده‌ای ندارد مگر فقط آنها را خسته کند. از اینرو دوباره به آنها اجازه داده شد که روز یکشنبه را تعطیل کنند.

در موقع شورش فرانسه اهالی آنجا عموماً هم آوازه شده خواهان تغییر و تبدیل کلیه عادات و رسوم قدیمی شدند. در نتیجه مقرر شد که هر ده روزی مردم یک روز آسایش و تفریح کنند، اما این ترتیب چندان دوام نیافت، زیرا چنانکه بخواهیم بدن ما در نهایت نیرومندی باشد در هفته‌ای یک روز آسایش برای ما لازم است. فکر ما نیز چون بدنمان آسایش می‌خواهد. مخصوصاً آنهایی که در کار روزانه خود مغز و فکر خود را به کار می‌برند لازم است در هفته یک روز خط مش افکار خود را تغییر دهند و به واسطه آسایش و تغییر و در تبدیل موقتی رشته افکار تجدید قوا نمایند. روز خداوند به منزله موقعی است که شخص ساعت زندگانی خود را کوک می‌کند که در طول هفته بعد مرتب و صحیح کار کند باید در نظر داشت که آسایش فکری حقیقی این نیست که به کلی فکر نکنیم، بلکه این است که از افکار روزانه خویش روی تافته و در امور بهتری فکر کنیم یک روز آسایش به ما فرصت می‌دهد که مغز و فکر خود را از زحمت افکار و اندیشه‌هایی که ما را در عرض هفته عصبانی و خسته می‌نمایند رهایی دهیم. باید یک وقتی هم داشته باشیم که نمو و سلامتی فکر را نیز بدست آوریم. مخصوصاً در روز خداوند باید خود را عادت دهیم که در امور اخلاقی و پرورش فکری تمرین و ممارست کنیم چنانکه در عهد جدید چنین مندرج است: «به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید» (رومیان ۱۲: ۲) و «همین فکر در شما باشد که در مسیح عیسی نیز بود» (فیلیپیان ۲: ۵).

به علاوه همه اینها در هفته‌ای یک روز برای نمو روحانی لازم است و در پراگرام روز آسایش سه چیز را باید بر هر کاری مقدم داشت: اول عبادت، دوم مطالعه و تفکر در کتاب مقدس و سوم دعا. در زندگانی پر مشغله معمولی عصر ما اوقاتی که هر روزه برای مطالعه کتاب و تفکر و دعا تخصیص می‌دهیم تا اینکه در اخلاق مسیحی پیشرفت و ترقی نماییم محدود و بسیار کم است. غذای روحانی ما در طی هفته نمو روحانی حقیقی به ما نخواهد داد مگر اینکه یک روز را برای استخراج گنج‌های روحانی که خدا به وسیله مسیح برای هر یک از ما آماده و قابل حصول نموده تخصیص دهیم. در این روز آسایش بیش از هر چیز باید در مجالس کلیسایی حاضر شویم. مواظبت در حضور در این مجالس یکی از نوامیس مسیحیت و از وسایل بزرگ فیض مسیحی است. مجالس عبادت و تمجید در روز خداوند باید قبل از هر چیز مطمح نظر ما باشد. چنانچه رسول نویسنده رساله عبرانیان در این قسمت ما را متوجه ساخته می‌گوید: «از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم چنانکه بعضی را عادت است» (عبرانیان ۱۰: ۲۵). بنابراین با نهایت شغف روز خداوند را استقبال نماییم و با سراینده مزامیر هم‌نوا شده بگوییم: «شادمان می‌شدم چون به من می‌گفتند به خانه خداوند برویم» (مزمور ۱۲۲: ۱).

یکی دیگر از سرچشمه‌های نمو روحانی که ما بسیار از نظر دور می‌داریم تحصیل انفرادی کلام خداست. اگر ما با هدایت روح القدس که بهتر از هر کس می‌تواند کلام خدا را برای ما تفسیر کرده و گنج‌های معرفت آن را بر ما مکشوف سازد به مطالعه کتاب مقدس بپردازیم برای تبحر و تفکر در حقایقی که می‌خوانیم وقت لازم داریم و روز آسایش این فرصت را به ما می‌بخشد. دعا به منزله تنفس حیات مسیحی است. پولس رسول ما را تشویق می‌نماید که پیوسته دعا کنیم. هر روز باید برای ما روز دعا و مشارکت روحانی با خدای پدر باشد و به علاوه در روز خداوند ممکن است وقت برای تقاضای شفاعت پیدا کنیم. در روز یکشنبه شخصی در ماشین سفر می‌کرد و در حین سفر گذر او به ناحیه معادن زغال سنگ افتاد. در آنجا عده بی‌شماری قاطر دید که در مزارع و چمن‌ها به چرا مشغولند مسافر مذکور قاطرها را به همسفر خود نشان داد. رفیقش گفت: «بلی، این قاطرها در طول ایام هفته در اعماق تاریک معادن زغال سنگ کار می‌کنند و اگر یک روز در هفته در اعماق از معدن بیرون نیامده و در هوای روشن به چرا مشغول نشوند به تدریج نابینا می‌گردند.» آری، به همین طریق ما نیز یک روز را برای بیرون شدن از اعماق تاریک زندگانی و کار روزانه لازم داریم تا بینش روحانی ما به تدریج کاهش و نقصان نیابد.

شادی و آسایش روز یکشنبه نیز به شخص مسیحی فرصتی می‌دهد که در هیچگاه دیگر بدین‌طور نمی‌تواند محیط مسیحی خانوادگی خود را پیشرفت و ترقی دهد. خانواده مسیحی اساس و مایه امید آن جامعه خوش اخلاقی است که در آن اراده خدا انجام و ملکوت خدا برقرار می‌شود. در عرض هفته مخصوصاً افراد خانواده‌ها در مدرسه یا در محل کار خود متفرق و از یکدیگر دورند، اما در روز یکشنبه آنها می‌توانند در خانه خود جمع شده با هم به مجالس عبادت حضور یابند. در سالیان بعد این روزهای عبادت و اجتماع برای اطفال از گرانبه‌ترین خاطرات کودکی و مبادی اصلاح اخلاقی و روحانی خواهد بود. در میان خانواده مسیحی روز آسایش به طوری که مسیح به ما تعلیم داده، چون سنگ زاویه پیشرفت روحانی و بنیاد استوار جامعه و ملت می‌باشد.

هفتمین روز

چون هفتمین روز هفته بر طبق پیمان قدیم خدا با اسرائیل تعیین شده ما باید با دقت تام این رسم را آزموده ببینیم آیا هنوز ما در قید شرایع و مشکل موسوی راجع به روز آسایش هستیم. پس از دقت معلوم می‌شود که روز سبت برای قوم یهود قوانین و مقررات مخصوصی داشته و میان خدا و قوم اسرائیل علامت و یادگار دو چیز بوده؛ یعنی رهایی قوم یهود از مصر و تکمیل خلقت عالم.

۱- رهایی از مصر: در تثنیه ۵: ۵ مکتوب است: «به یاد آور که در زمین مصر غلام بودی و یهوه خدایت تو را به دست قوی و بازوی دراز از آنجا بیرون آورد. بنابراین یهوه خدایت امر فرموده است که روز سبت را نگاه داری.» پس روز سبت یادگار رهایی از بندگی مصریان و عظمت ملی مخصوصی در نزد قوم یهود داشت. در پیش یهودیان این روز اساس و بنیاد حقیقی ملیتشان بود. هر چه این روز برای رهایی یافتن از مصر در نزد ایشان اهمیت داشته برای مسیحیان فقط علامت و نشان خلاصی از گناه است که به واسطه مرگ و قیام عیسای مسیح امکان‌پذیر گردیده است. اکنون باید این نشان و علامت را برای حقیقت آنکه در مسیح صورت گرفته تبدیل نماییم. باز در تثنیه ۳۱: ۱۲-۱۷ ملاحظه می‌شود که مراعات روز سبت مکرراً علامتی میان خدا و قوم اسرائیل دانسته شده است. سبت فقط برای یهودیان بوده و علامت و نشان مخصوصی است از علاقه خدا به قوم و به اهل پیمان قدیم. انبیا هم این حقیقت را درک نمودند چنانچه در حزقیال ۲۰: ۲ و ۲۰ ملاحظه می‌گردد. سبت علامتی است میان خدا و اسرائیلیان و قیدی است که آنان را از سایر ملل جدا سازد.

بعضی عقیده دارند که کلمات «تا به ابد» و «نسلاً بعد نسل» که در کتاب عهد عتیق راجع به روز سبت ذکر شده مراعات روز سبت را بر تمام اقوام و در هر زمانی واجب می‌شمارد، اما همین کلمات را نیز راجع به قسمت‌های دیگر شریعت که با عهد قدیم خدا از میان رفته ملاحظه می‌کنیم. یقیناً این قبیل کلمات دیگر نباید مراعات روز سبت را حتی بر یهودیان نیز بعد از سپری شدن عهد قدیم و جای گیر شدن عهد جدید واجب نماید. حتی انبیای یهود هم پیشگویی می‌کردند که خدا پیمان جدیدی خواهد بست، زیرا قوم یهود پیمان قدیم را نقض نمود. شریعت و قانون جدید باید روحانی و مکتوب در دل‌ها باشد نه الواح سنگی (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴).

۲- خدا سبت را برای یادگار آسایش و آرامش خود پس از تکمیل خلقت عالم به یهود داده است (پیدایش ۲: ۲ و ۳، خروج ۳۱: ۱۷)، اما پس از اینکه گناه داخل جهان شد نه خدا و نه انسان توانستند راحتی حقیقی را بدست آورند تا آنکه خلقت جدید روحانی صورت‌پذیر گشت و در قیام عیسای مسیح تکمیل گردید. برای ما مسیحیان تکمیل خلقت روحانی خیلی بزرگتر از تکمیل خلقت مادی و جسمانی است، زیرا خدا و انسان در خلقت روحانی آن راحتی و آسایش حقیقی را که پیمان قدیم فقط کرده و سایه‌ای از آن بود یافته‌اند. امروز شخص مسیحی باید میان موضوع‌های ذیل فرق گذارده و در حقیقت یکی از دو ستون ذیل را برای خود انتخاب کند:

قدیم	جدید
موسی	مسیح
مادی	روحانی
عهد عتیق	عهد جدید
شریعت	فیض
حرف	روح
مسیح مدفون	مسیح قیام کرده
تاریکی	روشنایی
سبت	روز خداوند

یگشنیه روز خداوند است

آنانی که معتقدند کلیسای مسیحی امروزه هم باید سبت یهود را در روز هفتم نگاه دارد ادعا می‌نمایند که پاپ کلیسای روم امر کرده روز یکشنبه به جای شنبه روز آسایش محسوب و نگاه داشته شود، اما در کلیساهای شرقی و مخصوصا در ایران علیه این ادعا ادله و براهینی داریم مثلا کلیسای آشوری مؤسس خود را بر طبق روایات توما که یکی از دوازده رسول بوده می‌داند. به هر حال این مسأله را می‌توان از این ادعا استنتاج نمود که این کلیسا فوری یا اندکی بعد از مسیح تأسیس یافته و قطعا می‌دانیم که ترجمه عهد جدید به زبان آشوری اولین ترجمه‌ای است از متن یونانی. کلیسای ارمنی هم از تأسیسات اولیه مسیحیت است. این دو کلیسا هیچگاه در تحت فرمان کلیسای روم نبوده و با این حال عموما یکشنبه را روز آسایش شمرده و آن روز را تعطیل می‌نمایند.

۱- تأسیس یکشنبه در عهد جدید، هرگاه به کلیساهایی که در عهد جدید بدانها اشاره شده مراجعه کنیم ادله وافر برای مراعات روز یکشنبه به عنوان اولین روز هفته پیدا می‌نماییم. در این روز یعنی در روز یکشنبه خداوند ما مسیح از مردگان قیام فرموده و به وسیله همین اقدام خود که بزرگترین وقایع عالم است مسیح سر بدن خویش که کلیسا باشد گردید. در روز سبت مسیح در قبر بود، اما در روز یکشنبه وی قیام نمود تا «حیات و بی‌فسادی را روشن گرداند». پس طبیعی است آنانی که با وی در تازگی حیات قیام کرده‌اند روز عظیم وی را به یاد و به افتخار او نگاه می‌دارند. به علاوه پس از قیام مسیح ملاحظه می‌نماییم در حینی که شاگردان دور یکدیگر جمع شده بودند مسیح دو مرتبه به ملاقات ایشان آمد تا سلامتی و روح‌القدس خود را بدیشان بخشد و هر دو دفعه هم در موقع انعقاد جلسات روز یکشنبه بوده است (یوحنا ۲۰: ۱۹ و ۲۶). باز می‌بینیم که روز عظیم تأسیس کلیسای مسیحی و افاضه روح‌القدس بر شاگردان در روز پنطیکاست که روز یکشنبه بوده اتفاق افتاده است (اعمال رسولان ۲: ۱). در عهد عتیق روز پنطیکاست نشانه پیشگویی از عهد جدید و کلیسا بوده و همیشه هم در روز اول هفته یعنی روز بعد از سبت یهود اتفاق می‌افتاده است (لاویان ۲۳: ۱۵ و ۱۶).

در اعمال رسولان ۲۰: ۷ چنین مندرج شده است: «در اول هفته چون به جهت شکستن نان جمع شدند و پولس در فردای آن روز عازم سفر بود برای ایشان موعظه می‌کرد و سخن او تا نصف شب طول کشید.» در اینجا ملاحظه می‌نماییم که کلیسای تازه مسیحی در روز یکشنبه برای عبادت و گرفتن عشای ربانی و موعظه کلام خدا دور هم جمع می‌شده‌اند. اگر در حقیقت این شاگردان مثل یهودیان روز شنبه را نگاه می‌داشتند در این صورت همه اعمال مذکور یعنی عبادت و غیره را نیز در روز قبل یعنی روز شنبه انجام می‌دادند. اینکه پولس چندین مرتبه در روز شنبه به کنیسه یهودیان رفته هیچ دلیل نمی‌شود که وی روز شنبه را به جای روز یکشنبه روز آسایش و عبادت می‌دانسته است. این طبیعی است که چون یهودیان در روز شنبه در کنایس خود جمع می‌شده‌اند از اینرو پولس هم از موقع استفاده نموده در آن روز بشارت مسیح را بدیشان داده است. همین طور بعضی از مجالس عبادت مسیحی در ایران در روز جمعه منعقد می‌گردد و این برای آن است که ایرانی‌ها در آن روز فرصت حضور یافتن دارند، ذکر این مطلب در اعمال رسولان ۲۰: ۷ قابل توجه می‌باشد که کلیسای عهد جدید برای موعظه و عشای ربانی و عبادت عام در روز یکشنبه جمع می‌شده‌اند همانطوری که کلیسای مسیحی امروز همین کار را می‌کند.

بخشش برای خدمت در راه خدا هم عبادتی است که در روز خداوند باید بجا آوریم. پولس رسول درست به کلیسا دستور داده که «در روز اول هفته هر یکی از شما به حسب نعمتی که یافته باشد نزد خود ذخیره کرده بگذارد تا در وقت آمدن من زحمت جمع کردن نباشد» (اول قرنتیان ۱۶: ۲) و می‌بینیم که کلیسا روز قیام مسیح را تا آخرین کتاب عهد جدید هم نگاه داشته است، زیرا یوحنا رسول رؤیای عظیم تکمیل کلیسا و آمدن ملکوت جاودانی مسیح را در روز خداوند می‌بیند (مکاشفه ۱: ۱۰). نه تنها ما یک روز تازه آسایش در مسیح داریم، بلکه همه چیز در او تازه است و در او ما مخلوقات تازه هستیم و چیزهای کهنه در گذشته است (دوم قرنتیان ۵: ۱۷).

۲- اما خوب است از نگهداری یک روز معینی قدم فراتر نهاده و اصول مسیحی که نگاهداری و مراعات روز خداوند بر آن متکی است در نظر بیاوریم. شخص مسیحی در زیر شریعت نیست، بلکه در زیر فیض است (رومیان ۶: ۱۴). نجات ما در مسیح کامل است. از اینکه مثلا هزار روز سبت را نگاه داریم چیزی به نجات ما افزوده نمی‌گردد، اما چون ما از قید شریعت آزادیم پس بسته و مقید در مسیح می‌باشیم و از اینرو با قلب متمایل و اشتیاق و آزادی نام روز خداوند را به یاد و به احترام او نگاه خواهیم داشت. شریعت قدیم با اوامر و نواهی و مجازات‌های سخت از بین رفته؛

یعنی مسیح آن را از جلو راه ما برداشته و آن را به صلیب خویش میخکوب کرده است چنانکه در کولسیان ۲: ۱۴ مکتوب است: «آن دست خطی را که ضد ما و مشتمل بر فرایض و به خلاف ما بود محو ساخت و آن را به صلیب خود میخ زده از میان برداشت.» پولس رسول مؤکدترین صفت‌ها را برای تشریح و بیان طرز قدیم رسوم دینی شریعت به کار می‌برد. مثلاً می‌گوید این رسوم و فرایض ضعیف و فقیر است (غلاطیان ۴: ۹ و ۱۰). شخص مسیحی باید کاملاً در آزادی خود در مسیح ثابت قدم و استوار باشد و نگذارد هیچ کس بر او داوری نموده یا اینکه دوباره او را در قید بندگی بیاورد چنانکه مکتوب است: «کسی درباره خوردن و نوشیدن و درباره عید و ملال و سبت بر شما حکم نکند» (کولسیان ۲: ۱۶).

۳- مسیحیان در قید الفاظ و نوشته‌های شریعت نیستند، بلکه در بند اطاعت روح آنند، زیرا حرف می‌کشد، لیکن روح زنده می‌کند» (دوم قرنتیان ۳: ۶). مسیح با بیان این حقیقت که محبت به خداوند بزرگترین و اولین حکم است و دومی مثل آن است؛ یعنی محبت به همسایه چون به نفس خود، روح شریعت را برای ما تشریح فرموده است. محبت به خدا و انسان اصل و مغز معنی شریعت و دین است (مرقس ۱۲: ۲۹-۳۱). بعضی اشخاص می‌گویند گرچه ما از قسمت‌های دیگر شریعت آزاد هستیم باز مجبوریم حرف به حرف ده حکم معروف موسی را انجام دهیم این تشخیص صحیح نیست. ما معنا و روحنا باید مندرجات ده حکم را انجام دهیم، زیرا قانون و شریعت اخلاقی خدا هنوز هم اثرش باقی و عملی است، اما ما در زیر قید حروف و عبارات آن نیستیم. مثلاً در احکام عشره مذکور است که ساختن شبه و مجسمه یا تصویر هر چیزی ممنوع می‌باشد (سفر تثنیه ۵: ۸).

با این حال ما می‌دانیم که امروزه در ساختن مجسمه و عکس ترویج صنایع ظریفه مسیحی آزادیم و می‌توانیم در این قسمت ذوق و استعداد خویش را به دلخواه به کار اندازیم. روح و مفاد این حکم برخلاف بت‌پرستی است نه صورت‌سازی. بنابراین با ننگ داشتن یک روز در هفته که مسیحیان در آن روز به آسایش و پرستش خداوند پیردازند در حقیقت و معنی اطاعت از قانون سبت می‌نمایند. ما در زیر قید حروف و شریعت نیستیم و قویا باید آن آزادی که در مسیح داریم حفظ کرده از مقید شدن به وسیله آن امتناع ورزیم. پس ما روز یکشنبه را که روز خداوند است برای وی مقدس نگاه داشته و او را پرستش و عبادت خواهیم نمود تا وقتی که باز آید انتظار خواهیم کشید. وقتی در انگلستان مالکی خانه خود را به مستأجری نشان می‌داد و یکی از پنجره‌ها را به وی نموده گفت: «در روزهای یکشنبه از این پنجره می‌توان نمازخانه معروف دورهام را دید.» آن شخص که می‌خواست خانه را اجاره کند از صاحبخانه سؤال کرد که چرا فقط در روزهای یکشنبه کلیسای مذکور را می‌توان دید؟ مالک جواب داد: «در روزهای دیگر هفته دود کارخانه‌ها مانع دیدن منظره مذکور می‌گردد، اما در روز یکشنبه که کارخانه‌ها کار نمی‌کنند هوا صاف و روشن است و نمازخانه عظیم دورهام دیده می‌شود.» همین طور روز خداوند برای ما هم باید روزی باشد که گرد و دود دنیا حقایق عظیم روحانی را از ما پنهان ننماید و هم بتوانیم مسیح را در روز خود او در کمال زیبایی و جمال ببینیم.